



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت  
علیهما الصلوة  
والتسلیمة

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



جامع

عباسی المحشی

بهاء الدین محمد البهائی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# جامع عباسی المحشی - حج

نویسنده:

شیخ بهائی (ره)

ناشر چاپی:

بی جا

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۸	جامع عباسی المحشی - حج
۸	مشخصات کتاب
۸	باب پنجم از کتاب جامع عباسی در بیان حج
۸	اشاره
۸	مقدمه
۹	مطلب اول در بیان بعضی از آداب حج
۱۰	مطلب دوم در بیان شرایط وجوب حج
۱۰	مطلب سیم در بیان انواع حج و ذکر مواقیت
۱۰	مطلب چهارم در بیان افعال حج تمتع
۱۱	مطلب پنجم در بیان افعال حج تمتع
۱۱	اشاره
۱۱	مقصد اول در بیان احرام بستن و مقدمات و شروط آن
۱۱	اشاره
۱۱	فصل اول در ذکر اموری که قبل از شروع در احرام به جا آوردن آن سنت است
۱۲	فصل دوم در بیان باقی امور متعلقه به احرام
۱۲	اشاره
۱۲	سه امر واجب
۱۲	چهار امر سنت
۱۲	دوازده امر که در احرام مکروهست
۱۳	بیست و چهار امر که در حال احرام به جا آوردن آن حرام است
۱۴	مقصد دوم در بیان طواف و مقدمات و شروط آن
۱۴	اشاره

- فصل اول در بیان آن چه پیش از طواف به جا آورده می‌شود ..... ۱۴
- اشاره ..... ۱۴
- چهار امر واجب ..... ۱۴
- دوازده امر که پیش از طواف سنت است ..... ۱۴
- فصل دویم در بیان باقی اموری که متعلق است به طواف ..... ۱۵
- اشاره ..... ۱۵
- یازده امر واجب ..... ۱۵
- دوازده امر سنت ..... ۱۶
- مقصد سیّم در بیان سعی ما بین صفا و مروه ..... ۱۷
- اشاره ..... ۱۷
- ده امر واجب ..... ۱۷
- هشت امری که در سعی سنت است ..... ۱۷
- مقصد چهارم در بیان احکام تقصیر و احرام حج ..... ۱۸
- اشاره ..... ۱۸
- فصل اول در بیان احکام وقوف عرفات ..... ۱۹
- اشاره ..... ۱۹
- پیش از داخل شدن در عرفات هفت امر سنت است ..... ۱۹
- بعد از دخول در عرفات دوازده امر سنت است ..... ۱۹
- فصل دوّم در احکام وقوف به مشعر الحرام ..... ۲۰
- فصل سیّم در بیان رفتن به جانب منی از مشعر الحرام و بیان افعال ثلاثه مناسک منی ..... ۲۱
- اشاره ..... ۲۱
- فعل اول رمی جمره عقبه ..... ۲۱
- فعل دوّم اقربانی کردن ..... ۲۲
- اشاره ..... ۲۲

- ۲۲ ..... ده امر واجب
- ۲۲ ..... شش امری که در قربانی کردن سنت است
- ۲۳ ..... فعل سیم [ازاله موی سر]
- ۲۳ ..... فصل چهارم در بیان باقی افعال حج
- ۲۴ ..... خاتمه در بیان آداب وداع خانه کعبه
- ۲۵ ..... مطلب ششم در بیان احکام حج قرآن و حج افراد
- ۲۵ ..... مطلب هفتم در بیان احکام حج به نیابت
- ۲۵ ..... اشاره
- ۲۵ ..... فصل اول در بیان نایب گرفتن بجهت میت و حی
- ۲۶ ..... فصل دوم در بیان شروطی چند در نیابت حج معتبر است
- ۲۷ ..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## جامع عباسی الممشی - حج

## مشخصات کتاب

شماره بازیابی : ۶-۱۷۰۳۴ سرشناسه : شیخ بهائی محمد بن حسین ۹۵۳ ۱۰۳۱ق. عنوان و نام پدید آور : جامع عباسی [چاپ سنگی] / شیخ بهایی ؛ کاتب: محمد حسن بن محمد علی اصفهانی؛ حاشیه نویس: سید محمد کاظم یزدی وضعیت نشر : [بی‌جا: بی‌نا]، ۱۳۲۵ق. مشخصات ظاهری : ۵۶۷ص.؛ قطع: ۱۷ × ۲۵ س.م. یادداشت : زبان : فارسی آغاز، انجام، انجامه : آغاز: بسم الله الحمد لله رب العالمین و الصلوٰة و السلام علی اشرف الاولین و الآخین ... اما بعد چون توجه خاطر ملکوت اشرف اقدس ... انجام: ... قرین شاهی ضلّ اللّهی قیام و اقدام تواند نمود و لله الحمد علی فواصل نعمائه و نوائل مراته و حسناته و جزایل الا امر و هیاته التی من علی بالتوفیق. انجامه: قدوقع الفراغ فی الحادی عشر من شهر صفر المظفر فی سنه ۱۳۲۵ علی ید اقل الطلاب و الکتاب محمد حسن بن محمد علی اصفهانی. یادداشت استنساخ : تاریخ کتابت: ۱۳۲۵ ق. مشخصات ظاهری اثر : نوع و درجه خط: نسخ نوع و تزئینات جلد: جلد مقوایی، روکش تیماج عنابی خصوصیات نسخه موجود : حواشی اوراق: محشی به حواشی سید محمد کاظم یزدی با نشان " طباطبا مدظله التعالی " میباشد. و همچنین کلماتی در بین سطور با شنگرف نگاشته شده است. یادداشت تملک و سجع مهر : شکل و سجع مهر: مهر مربع با نشان شیر و خورشید و به سجع " ملاحظه شد " ص ۶) توضیحات نسخه : نسخه بررسی شد. کشف الآیات و کشف اللغات و نمایه ... : فهرست ابواب و فصول کتاب جامع عباسی با تعیین صفحات ( ص ۲ - ۵) نمایه ها، چکیده ها و منابع اثر : کتابخانه آستانه حضرت عبدالعظیم حسنی ۶۳ / ۲۰۰)، مرعشی ۱۳/۵۰۶۰)، (قدس ۵/۳۹۱) معرفی چاپ سنگی : کتاب جامع عباسی اولین رساله عملیه به فارسی بر پایه فقه امامی اثر «بهاء الدین عاملی» که جامع تمام مسائل فقهی مورد نیاز عموم می باشد و چون این اقدام را به درخواست شاه عباس انجام داد و کتاب را به او اهدا کرد آن را «جامع عباسی» نامید. جامع عباسی در بیست باب می باشد، ولی به گفته شاگرد او «نظام الدین محمد ساوجی» پس از تالیف پنج باب نخست آن ( طهارت، نماز، زکوه، خمس، روزه و حج) در ۱۰۳۱ در گذشت. با بررسی فهرست ابواب جامع عباسی می توان دریافت که موضوع نوزده باب آن کاملاً فقهی است و شامل مسائلی است که معمولاً در کتاب ها و رساله های فقهی مطرح می شود. برخلاف باب هفتم که درباره زیارت چهارده معصوم (ع) و ایام ولادت و وفات ایشان است و فقهی نیست. مانند دیگر منابع جامع فقهی از باب طهارت آغاز و به باب دیات ختم می شود. موضوع: فقه جعفری -- قرن ۱۱ق فقه جعفری -- رساله عملیه شناسه افزوده: یزدی سید محمد کاظم بن عبدالعظیم ۱۲۴۷ - ۱۳۳۸ ق.، حاشیه نویس اصفهانی، محمد حسن بن محمد علی، قرن ۱۴. کاتب

## باب پنجم از کتاب جامع عباسی در بیان حج

## اشاره

و شروط آن و در آن مقدمه و هفت مطلب است:

## مقدمه

بدان که حج کردن از اعظم ارکان دین است و چون واجب شود تأخیر کردن آن گناه عظیم است و در حدیث باین مضمون وارد است که هر گاه بر شخصی حج واجب شود و به حج نرود با آن که مانع شرعی نداشته باشد پس چون بمیرد در وقت مردن مسلمان نخواهد مرد بلکه یا جهود خواهد مرد یا ارمنی. و روایات بسیار در کثرت ثواب حج از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و



حضرات ائمه معصومین جامع عباسی الممشی، ص: ۱۱۱ صلوات الله عليهم أجمعین وارد شده از آن جمله منقولست که شخصی به خدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت یا رسول الله من از خانه خود به عزم حج بیت الله بیرون آمده بودم و چون بدانجا رسیدم وقت حج فوت شده بود و من مرد غنی و مالدارم پس امر فرما که مال خود را در وجهی از وجوه صرف نمایم که ثواب آن مثل ثواب حج باشد پس حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم روی مبارک خود بآن شخص کرد و فرمود که: به کوه ابو قبیس نظر کن اگر آن کوه تمام طلای سرخ شود و آن را در راه خدا صرف نمائی ثواب آن به ثواب حج نمی‌رسد بعد از آن آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند که: شخصی که اراده حج کند چون به مهیّا ساختن یراق و اسباب راه حج اشتغال نماید هر نوبت که یک چیز از آن اسباب و یراق را که از زمین بردارد و یا بر زمین گذارد حق تعالی ده ثواب از برای او می‌نویسد و ده گناه او را می‌بخشد و ده درجه جای او را در بهشت بلندتر می‌سازد و شتری که آن شخص بر او سوار است هر بار که پاشنه از زمین بر می‌دارد یا بر زمین می‌گذارد مثل آن ثوابها خدای تعالی از برای آن شخص می‌نویسد.

### مطلب اول در بیان بعضی از آداب حج

چون عزم حج جزم شود باید که ذمت خود را از حق مردم خلاص سازد و وصیت کند و چون خواهد که از منزل خود بیرون آید عیال و بازماندگان خود را جمع سازد و دو رکعت نماز سنت بگذارد و بعد از آن این دعا بخواند: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتُوْدَعُكَ السَّاعَةَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي وَ خَوَاتِيمَ عَمَلِي، اللَّهُمَّ احْفَظِ الشَّاهِدَ مِنَّا وَ الْغَائِبَ، اللَّهُمَّ احْفَظْنَا وَ احْفَظْ عَلَيْنَا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي جَوَارِكِ، اللَّهُمَّ لَا تَسْلُبْنَا نِعْمَتَكَ وَ لَا تَغَيِّرْ مَا بَنَا مِنْ عَافِيَتِكَ وَ فَضْلِكَ. و بعد از آن وداع عیال و اطفال خود کند و تحت الحنک بسته عصای بادام تلخ بدست گرفته از منزل خود بیرون آید و در وقت بیرون آمدن بگوید: بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتَ بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. و بعد از آن سه نوبت بگوید: بِاللَّهِ أُخْرَجَ وَ بِاللَّهِ أُدْخِلَ وَ عَلَى اللَّهِ أُتَوَكَّلْتُ. پس بگوید: اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِي وَجْهِ هَذَا بَخِيرًا وَ اخْتَمِ لِي بِخَيْرٍ وَ قِنِي شَرَّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. و چون از خانه بیرون آید بر در خانه رو بقبله بایستد و فاتحه و آیه الکرسی یک نوبت پیش رو و یک نوبت بر دست راست و یک نوبت بر دست چپ بخواند و بعد از آن این دعا بخواند: اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَ احْفَظْ مَا مَعِيَ وَ سَلِّمْ مَا مَعِيَ وَ بَلِّغْنِي وَ بَلِّغْ مَا مَعِيَ بِبِلَاغِكَ الْحَسَنَ الْجَمِيلَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. بعد از آن نیت حج کند به این طریق که متوجه خانه جامع عباسی الممشی، ص: ۱۱۲ خدا می‌شوم که حج اسلام را به جا آورم برای آن که بر من واجبست تقرب به خدا و پای در رکاب کند و بگوید: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ. و چون بر پشت مرکب قرار گداید این دعا بخواند: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِلْإِسْلَامِ وَ مَنْ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَ مَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ- وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ \* اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَامِلُ عَلَى الظَّهْرِ وَ الْمُسْتَعَانَ عَلَى الْأَمْرِ اللَّهُمَّ بَلِّغْنَا بِبِلَاغِكَ إِلَى الْخَيْرِ بِبِلَاغِكَ إِلَى الْخَيْرِ إِلَّا خَيْرَكَ وَ لَا خَافُظَ غَيْرَكَ. و سنت است که در هر منزل که فرود آید در وقت فرود آمدن این دعا بخواند: رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزَلِينَ. و دو رکعت نماز بگذارد و چون از آن منزل کوچ کند نیز دو رکعت نماز بگذارد و بدان که بهترین روزها از برای سفر شنبه و سه شنبه و پنجشنبه است و در روز دوشنبه سفر به غایت بد است و هم چنین در روز جمعه قبل از نماز و اگر ضرورت شود که در روز بد سفر کند باید که تصدق کند و متوجه سفر گردد که تصدق تلافی بدی آن روز می‌کند. و سنت است فراخ دستی در این سفر مبارک و سعی در خوبی توشه و بسیار آن در حدیث آمده که اسراف مذموم است مگر در راه حج. و سنت است خوش خلقی با همراهان و ملازمان و مکاریان و خشم فرو خوردن از ایشان. از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر کس که به راه خانه خدا می‌رود اگر سه خصلت در او نباشد حج او هیچ است و آن خوش خلقی است و خشم فرو خوردن و صلاح و تقوی شعار خود کردن.

## مطلب دوم در بیان شرایط و خوب حج

بدان که تا هفت شرط بهم نرسد حج واجب نمی‌شود: شرط اول بلوغ است پس بر طفل حج واجب نمی‌شود هر چند مالدار باشد اما اگر ولی او را به حج بر دو احرام به بندد و قبل از وقوف عرفه یا وقوف مشعر بالغ شود و باقی افعال حج را به جا آورد حج او صحیح است و از حج «۱» اسلام مجزیست. شرط دوم عقل است پس مجنونی که هیچ وقت به هوش نیاید یا اگر به هوش آید مدت هشیاری او افعال حج را نکند بر او حج واجب نیست اما اگر قبل از وقوف عرفات یا وقوف مشعر هشیار شود و باقی افعال را در زمان هشیاری به جا آورد حکم او حکم طفل است. شرط سیم حریت است پس بر بنده حج واجب نیست هر چند بعضی از او آزاد باشد و اگر به رخصت آقا حج کند ثواب دارد اما این حج از حج اسلام مجزی نیست و هر گاه بعد از آزادی استطاعت حج به هم رساند جامع عباسی الممشی، ص: ۱۱۳ نوبت دیگر حج بر او واجبست مگر آن که قبل از یکی از دو وقوف آزاد شود که در این صورت حکم طفل «۱» و مجنون دارد به طریقی که دانسته شد. شرط چهارم استطاعت یعنی قادر بودن بر خرج راه در رفتن و برگشتن از چهارپایان و خیمه و خدمتکاران و باقی ضروریات بحسب حال این کس. و اگر شخصی گوید که خرج راه تو در عهده من است و بر سخن او اعتماد باشد در این صورت حج واجبست. و هم چنین اگر خود بعضی از خرج راه داشته باشد و تتمه را شخصی که بر او اعتماد باشد متعهد شود. و از جمله استطاعت نفقه عیال و بازماندگان واجب النّفقه از وقت رفتن تا رسیدن به منزل خود خواه خود قدرت بر آن داشته باشد و خواه دیگری متعهد آن شود. و نیز از جمله استطاعت قدرت بر وفای دین مثل قرض و مهر زن «۲» و غیر آن پس ما دام که قادر بر وفای آن نباشد حج واجب نمی‌شود. و اگر زن در راه حج احتیاج به محرم داشته باشد و محرم به جهت رفاقت او اجرتی خواهد قدرت بر اجرت آن محرم نیز داخل استطاعتست پس اگر بر اجرت او قادر نباشد حج بر او واجب نمی‌شود. شرط پنجم صحت بدنست به حیثیتی که از رفتن به حج مشقت شدید لازم نیاید. شرط ششم امتیت راهست پس ما دام که گمان نامنی «۳» باشد رفتن واجب نیست. شرط هفتم آن که آن قدر وقت باشد که خود را به مکه معظمه رساند و افعال حج را بفعل آورد پس اگر وقت تنک باشد حج در آن سال ساقط است. و هر گاه بر زن واجب شود می‌تواند که بی رخصت شوهر به حج رود اما حج سنتی بی رخصت شوهر نمی‌تواند کرد.

## مطلب سیم در بیان انواع حج و ذکر مواقیت

بدان که حج بر سه نوع است حج تمتع و حج قرآن و حج افراد و حج تمتع بر شخصی واجب می‌شود که از اهل مکه معظمه شانزده فرسخ شرعی دور باشد و حج قرآن و حج افراد بر شخصی واجب می‌شود که از اهل مکه معظمه باشد یا دوری منزل او از آن مکان مقدّس کمتر از آن مقدار باشد. و اول افعال حج تمتع احرام عمره است از میقات و میقات مکانیست که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله قرار داده‌اند که حاجیان از آنجا احرام بندند. و آن پنج موضع است که هر یکی از آن مواضع میقاتگاه عمره حج تمتع جمعی است یکی ذوالحلیفه است و آن میقات جمعیت است که از راه مدینه مقدّسه می‌آیند دویم جحفه است و آن میقات جمعی است که از راه شام می‌آیند سیم یلملم است و آن میقات جمعی است که از راه یمن می‌آیند چهارم قرن المنازل است و آن میقات جمعی است که از راه طایف می‌آیند پنجم عقیق است و آن میقات جمعی است که از راه عراق عرب می‌آیند و بدان که احرام بستن قبل از رسیدن به میقات صحیح نیست مگر آن که جامع عباسی الممشی، ص: ۱۱۴ شخصی بنذر یا عهد یا سوگند بر خود لازم سازد که قبل از رسیدن به میقات احرام به بندد و هم چنین گذشتن حاجیان از میقات بی احرام حرام است و اگر از میقات بی احرام بگذرد واجبست که بر گردند و از میقات احرام ببندند

## مطلب چهارم در بیان افعال حج تمتع

بر سبیل اجمال بدان که افعال حج تمتع هجده است باین ترتیب یعنی باید که هر یک این هجده فعل را به ترتیبی که مذکور می‌شود به جا آورد: اول احرام عمره بستن است. دوم طواف خانه کعبه است. سیم دو رکعت نماز طواف کردن. چهارم سعی میان صفا و مروه کردن. پنجم تقصیر است یعنی چیزی از موی یا ناخن گرفتن و باین پنج فعل افعال عمره تمتع تمام است. ششم احرام حج بستن است. هفتم وقوف عرفاتست. هشتم وقوف مشعر است. نهم جمره عقبه را به هفت سنگ ریزه زدن. دهم قربانی کردن. یازدهم سر تراشیدن یا تقصیر کردن. دوازدهم طواف زیارت کردن. سیزدهم دو رکعت نماز طواف در مقام حضرت ابراهیم ع گذاردن. چهاردهم سعی ما بین صفا و مروه کردن. پانزدهم طواف نساء کردن. شانزدهم دو رکعت نماز طواف نسا کردن. هفدهم سه شب ایام تشریق در منی بودن. هجدهم در هر یک از ایام تشریق هر یک از جمرات ثلاثه را به هفت سنگ ریزه زدن و این آخر افعال واجبه حج است. و چون از اینها فارغ شود سنت است که به مکه عود نماید جهت به جا آوردن طواف وداع و باقی سنتها که بعد از این مذکور خواهد شد إن شاء الله تعالی.

### مطلب پنجم در بیان افعال حج تمتع

#### اشاره

است بر سبیل تفصیل و در آن چهار مقصد و خاتمه است:

#### مقصد اول در بیان احرام بستن و مقدمات و شروط آن

#### اشاره

و در آن دو فصل است:

#### فصل اول در ذکر اموری که قبل از شروع در احرام به جا آوردن آن سنت است

و آن هشت امر است: اول آن که از اول ماه ذی قعدة از موی سر و موی محاسن مطلقا چیزی نگیرد. دوم بر طرف کردن موی زهار و موی زیر بغل به تراشیدن یا بنوره گذاشتن و نوره افضل است. سیم سبیل گرفتن. چهارم ناخن چیدن. پنجم مسواک کردن. ششم غسل احرام کردن و بعضی از مجتهدین آن را واجب می‌دانند و اگر بعد از غسل و قبل از احرام بخواب رود یا حدثی کند یا چیزی بخورد یا به پوشد یا ببوید که بر محرم خوردن و پوشیدن و بوییدن آن حرام باشد غسل را اعاده کند. هفتم نماز احرام گذاردن و آن شش رکعتست به سه سلام و اکتفا به چهار رکعت و دو رکعت نیز جایز است. و سنت است که در رکعت اول بعد از فاتحه سوره قل یا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ و در جامع عباسی الممشی، ص: ۱۱۵ رکعت دوم بعد از فاتحه قُلْ هُوَ اللَّهُ بخواند. هشتم آن که بعد از نماز این دعا بخواند: الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهیرین، اللهم انی أسألك أن تجعلنی ممن استجاب لك و آمن بوعدك و اتبع أمرک فانی عبدك و فی قبضتك لا أوقی إلا ما وقیت و لا أجد إلا ما أعطیت و قد ذكرت الحج فأسألك أن تعزم لی علیه علی کتابك و سنه نبیک صلی الله علیه و آله و تقوینی علی ما ضعفت و تسلّم منی مناسکی فی یسر منك و عافیة و اجعلنی من وفدك الّذی رضیت و ارتضیت و سمیت و کتبت، اللهم انی خرجت من شقة بعیده و أنفقت حالی ابتغاء مرضاتك، اللهم فتمم لی حجّتی و عمرتی، اللهم انی أرید التّمّع بالعمرة إلى الحجّ علی کتابك و سنه نبیک صلواتك علیه و آله فإن عرض لی عارض یحبسنی فحلّنی حیث حبستنی بقدرتک الّذی قدرت علیّ، اللهم إن لم تکن حجّة فعمرة أحرم لك شعری و

بشری و دمی و عظامی و مخی و عصبی من النساء و الثیاب و الطیب اُبتغی بذلك وجهک و الدار الآخرة. و بدان که حیض مانع احرام نیست و هم چنین مانع غسل احرام نیست اما مانع نماز احرام است.

### فصل دویم در بیان باقی امور متعلقه به احرام

#### اشاره

و آن چهل و سه امر است سه امر واجب و چهار امر سنت و دوازده امر مکروه و بیست و چهار امر حرام اما

#### سه امر واجب

اول نیت است باین طریق که احرام عمره تمتع می‌بندم از برای آن که واجبست تقرب به خدا. دویم مقارن داشتن نیت است به تلبیات اربع یعنی بعد از نیت بی فاصله واجبست که یک نوبت بگوید: لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ. سیم پوشیدن دو جامه احرام است مردان را از هر چه جایز است نماز در آن یکی را لنگ کند و یکی را بر دوش اندازد بشرط آن که دوخته و شبیه به دوخته نباشد مثل کپنک و زره و زنان را جایز است در حال احرام پوشیدن دوخته و حریر و اما

#### چهار امر سنت

اول آن که مرد تلبیات را بلند بگوید. دویم آن که تلبیاتی که مذکور می‌شود اضافه کند به تلبیات واجب و آن اینست: إِنَّ الْحَمْدَ وَ النِّعْمَةَ وَ الْمَلَکَ لَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ ذِي الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ دَاعِيَا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ تَبَدُّئِ وَ الْمَعَادِ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ يَسْتَعْنِي وَ نَفْتَقِرُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ مَرْهُوبَا وَ مَرْغُوبَا إِلَيْكَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ ذَا النِّعْمَاءِ وَ الْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ كَشَّافَ الْكُرُوبِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ عَبْدَكَ وَ ابْنَ عَبْدِكَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ يَا كَرِيمَ لَبَّيْكَ. سیم از سنتیهای احرام آنست که کل تلبیاتی که جامع عباسی المحشی، ص: ۱۱۶ مذکور شد اکثر اوقات بگوید خصوصا در هشت جا: اول بعد از نماز خواه واجب و خواه سنت. دویم هر وقت شتری که بر آن سوار است از هر جا برخیزد. سیم هر گاه در راه بر بلندی مثل پشته یا کوهی بر آید. چهارم هر گاه به سرایشی در آید. پنجم هر گاه از خواب بیدار شود. ششم در وقت سحر. هفتم هر گاه سوار شود یا فرود آید. هشتم هر گاه در راه به شخصی برخورد. چهارم از سنتیهای «۱» احرام آن که چون خانهای مکه معظمه را ببیند تلبیات را قطع کند و بعضی از مجتهدین بر آنند که در آن وقت قطع تلبیات واجبست. و اما آن

#### دوازده امر که در احرام مکروهست

اول حمام رفتن. دویم شستن جامه احرام هر چند چرکین شود. سیم بو کردن میوه مثل سیب «۲» و به و غیر آن. چهارم تکلم کردن بغیر تلبیات و قرآن و ذکر خدا و حاجت ضروری. پنجم در جواب احدی لبیک گفتن. ششم خوابیدن بر فرش که سفید نباشد. هفتم

تراشیدن سر شخصی که احرام نداشته باشد که اگر احرام داشته باشد تراشیدن سر او حرام است. هشتم غسل کردن از برای خنک ساختن بدن نه به جهت سنت مثل غسل جمعه و غیر آن. نهم آن که جامه احرام از غیر پنبه باشد. دهم آن که جامه احرام میل میل باشد یعنی خطها داشته باشد. یازدهم آن که سیاه باشد. دوازدهم آن که در ابتدای احرام جامه احرام چرکین باشد اما اگر در اثنای احرام چرکین شود پوشیدن آن مکروه نیست. و اما آن

### بیست و چهار امر که در حال احرام به جا آوردن آن حرام است

اول شکار کردن یا شخصی را شکار فرمودن یا گفتن که فلان جا شکاری هست یا نمودن شکار یا آلات شکار مثل باز و سگ و دام و تیر و تفنگ به شخصی دادن که شکار کند و این امور حرام است بدو شرط: اول آن که آن جانور آبی نباشد چه شکار کردن جانوران آبی در حال احرام حرام نیست. و مراد از جانور آبی حیوانیست که در آب تخم کند پس شکار کردن قاز و اردک و باقی حیوانات که در خشکی تخم کنند حرام است. دویم آن که خوردن گوشت آن جانور حلال باشد مثل آهو و کلنگ و غیر آن پس شکار کردن حیوانی که گوشت آنها حرام است مثل خوک و پلنگ و چرخ و باز در حال احرام حلالست. اما از جمله جانورانی که گوشت آنها حرام است شش جانور است که آنها را شکار کردن در حال احرام حرام است و آن شیر و روباه و خرگوش و خارپشت و سوسمار و یربوعست. و اگر شخصی آنها را در حال احرام شکار کند آن شکار ملک او نمی‌شود و واجب است که آن را رها کند و خوردن گوشت شکار بر محرم حرام است اگر چه دیگری آن را شکار کرده باشد. و هر شکاری را که محرم بکشد میته است جامع عباسی الممشی، ص: ۱۱۷ و خوردن گوشت آن بر محرم و غیر محرم حرام است. دوم از بیست و چهار امر که در حال احرام حرام است جماع کردنست و مقدمات آن مثل بوسه و دست بازی کردن با حلال خود و عقد نکاح بستن از برای خود یا از برای دیگری پس اگر عقد نکاح کند آن عقد باطل است. امّا رجوع در طلاق و کنیزک خریدن بقصد آن که بعد از احرام مباشرت کند جایز است. سیّم گواه شدن بر عقد نکاح و گواهی دادن بآن. چهارم بو کردن مشک و عنبر و عود و صندل و مانند آن. و در بو کردن گل نرگس و بنفشه و مانند آن میانه مجتهدین خلافت و اصحّ آن است که بو کردن آنها نیز حرام است اما شنیدن بوی مشک و عنبر و غیر آن که بر خانه کعبه می‌مالند جایز است. و هم چنین جایز است شنیدن بویهای خوش که در ما بین صفا و مروه می‌باشد. پنجم بینی گرفتن محرم از چیزهای بدبو. ششم روغن بر بدن مالیدن خواه خوش بو باشد و خواه نباشد. هفتم پوشیدن مرد رختی را که دوخته باشد یا شبیه به دوخته چنانکه قبل از این مذکور شد. هشتم پوشیدن چیزی که پشت پا را به پوشد. نهم انگشتری در انگشت کردن به جهت زینت نه به جهت آن که سنت است. دهم پوشیدن مرد سر و گوش خود را اگر چه به ارتماس باشد. یازدهم آن که مرد در وقت راه رفتن در سایه چیزی رود که آن چیز بر بالای سر او باشد نه در پهلو او مثل سایه دیوار اما در سایه کجاوه و مانند آن راه رفتن مرد را جایز است هر چند بالای سر او باشد «۱». و هم چنین جایز است در وقت فرود آمدن که در سایه چیزی به راه رود و بنشیند هر چند آن چیز در بالای سر او باشد مثل خیمه و غیر آن. دوازدهم مواز سر یا بدن جدا کردن. سیزدهم ناخن چیدن اگر چه ناخن انگشت زیادتی باشد. چهاردهم کشتن شپش یا از بدن یا از جامه خود به دور انداختن. پانزدهم سر مه سیاه در چشم کشیدن. شانزدهم حنا بستن برای زینت. هفدهم در آئینه نگاه کردن. هجدهم دندان کردن. نوزدهم سلاح پوشیدن. بیستم خون از بدن بیرون آوردن اگر چه به مسواک کردن باشد امّا اگر از خاریدن کر خون بیرون آید قصوری ندارد. بیست و یکم جدالست یعنی لا- و الله و بلی و الله «۲» گفتن مگر به جهت اثبات حق یا نفی باطل. بیست و دویم پوشیدن زن طلا آلات یا نقره آلاتی که عادت او نباشد که مثل آن را به پوشد. بیست و سیّم اظهار کردن زن زیور خود را به شوهر یا بر جمعی که محرم او باشند. بیست و چهارم روی خود را به چیزی پوشیدن که بر روی او برسد پس می‌باید که پوشش روی زن

به نوعی باشد که مطلقا به روی او نخورد «۳»

## مقصد دویم در بیان طواف و مقدمات و شروط آن

### اشاره

بدان که اول افعال عمره تمتع بعد از احرام طواف خانه کعبه است و چهل امر بآن متعلق است و مجموع آن در دو فصل تفصیل می‌یابد

### فصل اول در بیان آن چه پیش از طواف به جا آورده می‌شود

### اشاره

و آن شانزده امر است چهار امر واجب و دوازده امر سنت: اما

### چهار امر واجب

اول طهارت از حدث اکبر و اصغر هر گاه طواف واجب باشد اما در طواف سنت طهارت از حدث اصغر سنت است. دویم ازاله نجاست از رخت و بدن. سیم ستر عورت بطریق نماز. چهارم ختنه پس اگر شخصی را ختنه نکرده باشند طواف او باطل است. و اما آن

### دوازده امر که پیش از طواف سنت است

اول غسل است جهت داخل شدن حرم مکه معظمه. دویم اذخر خاییدن قبل از داخل شدن در حرم. سیم نعلین کردن و پا برهنه به راه رفتن. چهارم نعلین خود را بدست خود گرفتن. پنجم در وقت داخل شدن این دعا خواندن: اللَّهُمَّ إِنَّكَ قَلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ وَأَذْنَ لِلنَّاسِ فِي الْحَجِّ يَا تَوَكُّرَ رَجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أُجَابَ دَعْوَتُكَ وَقَدْ جِئْتُ مِنْ مَشَقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَمِنْ فَجٍّ عَمِيقٍ سَامِعًا لِنَدَائِكَ وَمُسْتَجِيبًا لَكَ وَمَطِيعًا لِأَمْرِكَ وَكُلَّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ مَا وَقَفْتَنِي لَهُ أَبْتَغِي بِذَلِكَ الزَّلْفَةَ عِنْدَكَ وَالْقُرْبَةَ إِلَيْكَ وَالْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ وَالْمَغْفِرَةَ لذنوبِي وَالتَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَرِّمْ بَدَنِي عَلَي النَّارِ وَآمَنِي مِنْ عَذَابِكَ وَعِقَابِكَ يَا كَرِيم. ششم غسل کردن بجهت داخل شدن مکه معظمه و این غسل زن حیض دار را نیز سنت است. هفتم غسل کردن جهت داخل شدن در مسجد الحرام. هشتم داخل شدن در مسجد الحرام از دری که آن را باب بنی شیبیه گویند. نهم آن که در بیرون در مسجد الحرام ایستد و بگوید: السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، و بعد از آن بگوید: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ وَالسَّلَامُ عَلَي أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرَسَلِهِ وَالسَّلَامُ عَلَي رَسُولِ اللَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَي إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. دهم به خضوع و خشوع داخل مسجد الحرام شدن. یازدهم آن که چون داخل شود رو به جانب کعبه مشرفه کند و دستها برداشته این دعا بخواند: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا فِي أَوَّلِ مَنْاسِكِي أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَ أَنْ تَجَاوِزَ عَن خَطِيئَتِي وَ تَضَعَنَّ عَنِّي وَزْرِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتَكَ الْحَرَامَ الَّذِي

جعلته مثابه للناس و أمنا مبارکا و هدی و رحمۃ للعالمین جامع عباسی المحشی، ص: ۱۱۹ اللهم إني عبدك و البلد بلدك و البيت بيتك جئت أطلب رحمتك و أوّمتك مطيعا لأمرک راضيا بقدرک أسألك مسألة الفقير إليك الخائف لعقوبتك، اللهم افتح لي أبواب رحمتك و استعملني بطاعتك و مرضاتك. دوازدهم آن که به نزدیک حجر اسود آید و رو به جانب حجر کند و این دعا بخواند: الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله سبحانه الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أكبر من خلقه و أكبر ممّا أخاف و أحذر لا إله إلا الله وحده لا شريك له الملك و له الحمد يحيى و يميت و يحيى و هو حي لا يموت بيده الخير و هو على كل شيء قدير، اللهم صلّ على محمد و آل محمد و على جميع الأنبياء و المرسلين. بعد از آن حجر را ببوسد و اگر به واسطه کثرت ازدحام نتواند بوسیدن دست خود را بآن رساند و دست خود را ببوسد. و اگر دست نتواند رسانید به جانب حجر بدست راست اشارت کند و این دعا بخواند: اللهم إني أوّمتك بوعدك و أوّمتك بعهديك، اللهم أمانتي أديتها و ميثاقي تعاهدته ليشهد لي بالموافاة، اللهم تصديقا بكتابك و على سنة نبيك أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و أنّ محمدا عبده و رسوله آمنت بالله و كفرت بالجبّ و الطاغوت و اللات و العزى و عبادة الشيطان و عبادة كلّ ند يدعى من دون الله، اللهم إليك بسطت يدي و فيما عندك و عظمت رغبتى فاقبل سعيى و اغفر لي و ارحمني، اللهم إني أعوذ بك من الكفر و الفقر و مواقف الخزي في الدنيا و الآخرة. و چون از این دعا فارغ شود شروع در طواف کند.

### فصل دویم در بیان باقی اموری که متعلق است به طواف

#### اشاره

و آن بیست و سه امر است یازده امر واجب و دوازده امر سنت، اما

#### یازده امر واجب

اول نیت طواف به این طریق که طواف عمره تمتع می‌کنم از برای آن که واجب است تقرب به خدا و نیت را مقارن طواف سازد بر وجهی که جزء اول جانب چپ او در ابتدای طواف محاذی جزء اول حجر اسود باشد و این بدو طریق می‌شود: یکی آن که در مقابل حجر اسود بایستد و مقارن نیت خود را بگرداند تا در ابتدای طواف کردن کلّ بدن او به محاذات کلّ حجر اسود بگذرد. طریق دویم آن که در مقابل حجر اسود نایستد بلکه آن را جانب چپ خود گزید و بعضی از اجزای بدن خود را پیش بدارد و محاذی جزء اول حجر اسود نماید و شروع در طواف کند تا کلّ بدن او به محاذات کلّ حجر بگذرد و طریق اول افضلست. دویم استدامت حکمی یعنی در اثنای طواف واجبی قصد امری نکند که منافی طواف باشد مثل آن که حدث کند و قصد آن که طواف را به اتمام جامع عباسی المحشی، ص: ۱۲۰ نرساند. سیم آن که در حال طواف می‌باید که خانه کعبه بر دست چپ «۱» او باشد. چهارم آن که دوری طواف کننده از خانه کعبه در کلّ جهات کمتر از دوری مقام ابراهیم علیه السلام باشد از خانه کعبه. پنجم آن که گشتن بر گرد خانه کعبه کمتر از هفت نوبت و زیاده بر هفت نوبت نباشد و هر نوبت را یک شوط گویند و هر هفت شوط یک طواف است و اگر بعد از فارغ شدن شک کند که هفت شوط کرد یا کمتر یا بیشتر التفات نکند و طواف او صحیح است. اما اگر شک او قبل از فارغ شدن باشد در این صورت از سه حال بیرون نیست اول آن که شک کند میانه هفت شوط و زیاده دوم آن که شک کند میانه هفت شوط و کمتر سیم آن که یقین داند که هفت شوط نکرده و شک او میانه هفت شوط باشد مثل آن که شک

کند میانه چهار و پنج یا میانه پنج و شش پس در صورت اول به رکنی که حجر اسود در اوست رسیده باشد طواف او صحیح (۲) است و اگر بر آن رکن نرسیده باشد طواف او باطل است و از سر باید گرفت و در صورت دوم و سیم مطلقاً طواف او باطل است خواه به رکن رسیده باشد و خواه نرسیده باشد و طواف را از سر باید گرفت. ششم آن که چهار شوط اول از پی یکدیگر باشد یعنی فاصله در میان واقع نشود پس اگر فاصله در میان واقع شود طواف را از سر بگیرد خواه فاصله بجهت ضرورت واقع شده باشد مثل نماز واجب که وقت آن تنک شده باشد و خواه بی ضرورت واقع شده باشد اما در میان شوط چهارم و پنجم و میان سه شوط آخر جایز است که فاصله واقع شود مثل نماز سنتی که وقت آن تنک شده باشد یا قضای حاجت مؤمنی یا داخل شدن به خانه کعبه و هم چنین در سه شوط آخر جایز است قطع شوط کردن بجهت امثال امور امّیا واجبست که در وقت قطع طواف مکانی را که در آنجا قطع شده نشان کند تا چون بر سر اتمام آن آید زیاده و کم نشود. هفتم آن که حجر را بکسر حاء مهمله و سکون جیم داخل طواف سازد و آن دیوار است کوتاه در جانب ناودان خانه کعبه. هشتم آن که در وقت طواف چیزی از بدن داخل شاذروان کعبه نباشد بلکه باید که کل بدن خارج از شاذروان باشد و آن بنایست در بیخ خانه کعبه متصل بآن از نشانه دیوار قدیم خانه کعبه چه خانه کعبه قدیم از این وسیع تر بوده و شاذروان جای دیوار قدیم است پس اگر طواف کنان دست به دیوار کعبه گذارد طواف باطل است بجهت آن که دست او داخل خانه کعبه خواهد بود. نهم آن که در طواف بطریق متعارف راه رود پس اگر بر یک پا یا بر چهار دست و پا یا خیزکنان طواف کند صحیح نخواهد بود. دهم آن که جامع عباسی الممشی، ص: ۱۲۱ آخر شوط هفتم جای باشد که ابتدای طواف را از آنجا کرده بی زیاده و نقصان. یازدهم آن که دو رکعت نماز طواف کردن در پس مقام ابراهیم (علیه السلام) «۱» یا در پهلوئی آن مخیر است و در قرائت این دو رکعت میانه جهر و اخفات. و اگر طواف سنت باشد در هر جا از مسجد الحرام که خواهد این دو رکعت را می تواند گذارد. و سنت است که در رکعت اول بعد از حمد سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند و در رکعت دوم سوره جحد یعنی قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ. و اما

### دوازده امر سنت

که تعلّق به طواف دارد: اول آن که چون داخل مسجد الحرام شود به هیچ امری اشتغال ننماید الا به مقدمه یازدهم و دوازدهم طواف که قبل از این مذکور شد و بعد از آن بی فاصله شروع در طواف عمره کند مگر آن که وقت نماز واجب داخل شده باشد یا نرسد که نماز جماعت از او فوت شود. دویم بوسیدن حجر اسود در هر شوط و هم چنین رخ خود را بر آن گذاشتن. سیم بوسیدن هر رکنی از چهار رکن خانه کعبه به تخصیص رکن یمانی و رکن عراقی. چهارم آن که یک طرف ردای خود را از زیر بغل راست بیرون آورد و بر دوش چپ اندازد و دوش راست را برهنه گذارد. پنجم کام خود را در حین طواف کوتاه نگرداند چه به واسطه هر کامی شش هزار حسنه جهه این کس نوشته می شود. ششم نزدیک شاذروان طواف کردن هر چند گام کمتر شود چه نزدیکی تلافی زیادتی کام می کند. هفتم آن که راه رفتن در اثنای طواف نه تند باشد و نه آهسته بلکه میانه باشد. هشتم آن که در اثنای طواف این دعا بخواند: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَمْشِي بِهِ عَلَى ظِلِّ الْمَاءِ كَمَا يَمْشِي بِهِ عَلَى جَدِّ الْأَرْضِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُّ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَأَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مِجْبِيَّةَ مَنْكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَأَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا. و بعد از آن حاجت خود را از خدای تعالی بخواهد. نهم آن که در اثنای طواف هر گاه محاذی در خانه کعبه شود صلوات بفرستد. دهم آن که هر وقت که در اثنای طواف به دیوار کوتاهی که در طرف ناودان خانه کعبه است برسد این دعا بخواند: اللَّهُمَّ ادْخُلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَ عَافِنِي مِنَ السَّيِّئِمْ وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعِجْمِ. یازدهم



آن که چون در شوط هفتم به مستجار رسد و آن در زمان سابق در خانه جامع عباسی المحشی، ص: ۱۲۲ کعبه بوده و الحال بسته شده و علامات نمایانست پس باید که رو بآن کند و خود را بآن بچسباند و این دعا بخواند: اللَّهُمَّ الْبَيْتَ بَيْتَكَ وَالْعَبْدَ عَبْدَكَ وَ هَذَا مَكَانَ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ. و در آن وقت به گناهان خود یک یک اقرار نماید چه در حدیث وارد است که هر مؤمنی در آن مکان شریف اقرار به گناهان خود کند البتّه حق تعالی گناهان او را می‌بخشد. دوازدهم آن که بعد از اقرار به گناهان خود این دعا بخواند: اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحَ وَالْفَرْجَ وَالْعَافِيَةَ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعَفَهُ لِي وَ اغْفِرْ لِي مَا أَطَّلَعْتُ عَلَيْهِ مِنِّي وَ خَفِيَ عَلَيَّ خَلْقَكَ. و چون در مقابل رکن یمانی آید بگوید: أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ قَتَعْنِي بِمَا رَزَقْنِي وَ بَارِكْ لِي فِيهَا آتِيْتَنِي. و بعد از گذاردن دو رکعت نماز طواف سنت است که نزدیک حجر اسود آید و آن را ببوسد و به جانب چاه زمزم آید و یک دلو یا دو دلو آب بکشد و از آن بخورد و بر سر و تن خود بریزد و در وقت ریختن بگوید: اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عَلِمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سَقَمٍ. و بعد از آن متوجّه ما بین صفا و مروه شود

### مقصد سیّم در بیان سعی ما بین صفا و مروه

#### اشاره

و مقدمات و شروط بدان که آن چه تعلق به سعی صفا و مروه دارد هجده امر است ده امر واجب و هشت امر سنت اما

#### ده امر واجب

اول نیت سعی است به این طریق که سعی می‌کنم میان صفا و مروه هفت شوط در عمره تمتّع از برای آن که واجبست تقرّب به خدا. دوم آن که در وقت نیت پاشنه پای او به زینه اول از صفا چسبیده باشد. سیّم مقارن ساختن نیت به ابتدای رفتن به جانب مروه. چهارم استدامت حکمی یعنی قصد امری که منافی نیت است نکند. پنجم آن که از راه متعارف ما بین صفا و مروه رود نه از راه مسجد الحرام و غیر آن. ششم آن که سعی از هفت شوط کمتر یا بیشتر نباشد. هفتم موالات یعنی هر هفت شوط از پی هم باشد به طریقی که در طواف مذکور شد و بعضی از مجتهدین برآنند که موالات شرط نیست. هشتم جمیع مسافت ما بین صفا و مروه را قطع کند و چیزی در میان نگذارد پس چون از صفا به مروه رسد چنان کند که سر انگشتان پا به زینه اول مروه برسد و چون خواهد که از مروه به صفا رود پاشنه پا را به زینه اول مروه ملصق سازد پس به جانب صفا رود و این قاعده را منظور دارد تا هفت شوط را به اتمام رساند. نهم آن که اگر طواف بروز کرده باشد سعی را بروز دیگر تاخیر نکند بلکه شب به جا آورد و اگر شب طواف کرده سعی را در آن شب به جا آورد و بعضی از مجتهدین تأخیر بروز جامع عباسی المحشی، ص: ۱۲۳ دیگر را جایز داشته‌اند. دهم آن که سعی بعد از طواف واقع شود پس اگر قبل از طواف بفعل آورد سعی باطل خواهد بود. و اما آن

#### هشت امری که در سعی سنت است

اول آن که چون از مسجد الحرام بجهت سعی بیرون رود باید از در صفا بیرون رود جای آن در الحال داخل مسجد است اما دو ستون بجهت علامت آن گذاشته‌اند پس باید که از ما بین آن دو ستون بگذرد. دوم طهارت از حدث اکبر و اصغر. سیّم ازاله نجاست از بدن و رخت. چهارم آن که چون از مسجد الحرام بیرون آید به بالای صفا رود رو به کعبه ایستد در مقابل رکنی که حجر اسود در او است و هفت نوبت الله اکبر بگوید و هفت نوبت الحمد لله و هفت نوبت لا- إله إلا الله و سه نوبت: لا- إله إلا الله

وحده لا شریک له له الملك و له الحمد یحیی و یمیت و یحیی و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدير. و بعد از آن سه نوبت صلوات بفرستد و سه نوبت: الله أكبر، الحمد لله علی ما هدانا و الحمد لله ما أبلانا، و الحمد لله الحی القیوم، و الحمد لله الحی الدائم. و سه نوبت بگوید: أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شریک له و أشهد أن محمدا عبده و رسوله لا نعبد إلا إياه مخلصین له الدین و لو کره المشرکون. و سه نوبت بگوید: اللهم إني أسألك العفو و العافیة و الیقین فی الدنیا و الآخرة. و سه نوبت بگوید: اللهم آتنا فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا عذاب النار. بعد از آن صد نوبت الله أكبر بگوید لا إله إلا الله صد نوبت و الحمد لله صد نوبت سبحان الله صد نوبت و بعد از آن بگوید: لا إله إلا الله وحده و حده أنجز وعده و نصر عبده و غلب الأحزاب وحده فله الملك و له الحمد، اللهم بارک لی فی الموت و فیما بعد الموت، اللهم إني أعوذ بك من ظلمة القبر و وحشته، اللهم أظننی فی عرشک يوم لا ظل إلا ظلك أستودع الله الرحمن الرحيم الذي لا تضیع ودايعه دينی و نفسی و أهلی و مالی و ولدی، اللهم استعملنی علی کتابک و سنّة نبیک و توفنی علی ملة إبراهيم و أعذنی من مضلات الفتن. پس سه مرتبه الله أكبر بگوید و دو مرتبه دیگر دعای استودع الله تا آخر بخواند پس یک مرتبه الله أكبر و این دعا را بخواند: اللهم اغفر لی کل ذنب أذنبته قط فإن عدت فعد علیّ بالمغفرة فإنک أنت الغفور الرحيم، اللهم افعل بی ما أنت أهله فإنک إن تفعل بی ما أنت أهله ترحمنی و إن تعدّبی و إنک أنت غنی عن عذابی و أنا محتاج إلى رحمتک ارحمنی، اللهم افعل بی ما أنت أهله فإنک إن تفعل بی ما أنا أهله تعدّبی و لن تظلمنی أصبحت أتقى عذابک و لا أخاف جورک فیا من هو عدل لا جامع عباسی المحشی، ص: ۱۲۴ یجور ارحمنی. و اگر فرصت خواندن کلّ این دعا و ذکرها نداشته باشد آن چه از آن جمله میسر باشد بخواند و چون فارغ شود از صفا به زیر آید و شروع در سعی نماید و بدان که بر بالای صفا رفتن و آنجا این دعاها را خواندن مردان را سنت است و زنان را سنت نیست. پنجم از سنتهای سعی آنست که در آخر شوط اول چون به مروه رسد بر بالای آن رود مقابل خانه کعبه ایستد و ادعیه که در بالای صفا خوانده آنجا نیز بخواند. ششم آن که پیاده سعی کند مگر آن که ترسد که به واسطه تعب نتواند به توجّه تمام مشغول دعا شود. هفتم آن که در اول هر شوط و آخر آن تند به راه نرود مگر در ما بین مناره و کوجه عطاران که آنجا تند رفتن اولی است خواه پیاده باشد و خواه سواره و این تند رفتن مردان را سنت است و زنان را سنت نیست. هشتم در اثنای سعی این دعا بخواند: اللهم اغفر و ارحم و تجاوز عیما تعلم إنک أنت الأعزّ الأجلّ الأکرم، یا ذا المنّ و الفضل و الکرّم و التّعماء و الجود اغفر لی ذنوبی إنّه لا یغفر الذنوب إلا أنت

## مقصد چهارم در بیان احکام تقصیر و احرام حج

### اشاره

بدان که بعد از فارغ شدن از سعی باید تقصیر کند یعنی از ناخن بگیرد خواه دست و خواه پا یا از موی بدن چیزی ازاله کند اگر چه بقدر سر مو باشد خواه به مقراض و خواه به کندن و خواه بنوره کشیدن و خواه به تراشیدن. اما تراشیدن همه سر جایز است (نیست) و نیت چنین کند که تقصیر می کنم در عمره تمتّع از برای آن که واجبست تقرّب به خدا و مقارن نیت به تقصیر مشغول شود و چون تقصیر بفعل آورد جمیع آن چه به احرام حرام شده بود حلال می شود «۱» و تقصیر آخر افعال عمره است و سنت است که تقصیر در مروه واقع شود و مکروهست طواف خانه کعبه بعد از سعی و قبل از تقصیر و واجبست که تقصیر به احرام حجّ اشتغال نماید و جمیع آن چه در احرام عمره مذکور شد از مقدمات و غیر آن در احرام حجّ معتبر است و میقات این احرام شهر مکه است و نیت چنین کند که احرام حجّ تمتّع به جا می آورم از برای آن که واجب است تقرّب به خدا و نیت را مقارن تلبیات سازد. و سه امر در این احرام سنت است: اول آن که در روز هشتم ماه ذی حجه واقع شود. دویم آن که در مسجد الحرام «۲» باشد و افضل آنست که در

زیر ناودان خانه کعبه واقع شود. سیم بلند گفتن تلبیه در مکانی که آنجا احرام بسته اگر پیاده باشد و اگر سوار باشد در وقت برخاستن شتری که بر آن سوار است از جا که بعد از احرام بستن به عرفات رود از وقت پیشین تا وقت شام در عرفات توقف نماید و چون شام شود به مشعر الحرام رود جامع عباسی الممشی، ص: ۱۲۵ تا طلوع آفتاب آنجا توقف نماید بعد از آن بمنی رود و در آنجا روز عید میلی را که جمره عقبه گویند به هفت سنگ ریزه بزند و بعد از آن قربانی کند و بعد از آن سر بترشد و به مکه مراجعت نماید بجهت طواف زیارت و سعی و طواف نسا و بعد از آن بمنی عود نماید بجهت بودن آنجا در شبهای تشریق و رمی جمرات ثلاثه. و این اعمال در چهار فصل به تفصیل مذکور می شود

## فصل اول در بیان احکام وقوف عرفات

### اشاره

بدان که مراد از وقوف عرفات بودن در آن موضع شریف است از پیشین تا شام خواه ایستاده باشد و خواه نشسته و خواه تکیه کرده و خواه پیاده و خواه سواره و

### پیش از داخل شدن در عرفات هفت امر سنت است

اول آن که رفتن از مکه به جانب عرفات در روز هشتم ماه ذی حجه باشد نه قبل از آن و آن روز را یوم ترویبه گویند اما اگر بیمار شود یا از کثرت ازدحام مردم در راه ملاحظه نماید قبل از یوم ترویبه به یک روز یا دو روز یا سه روز از مکه بیرون رفتن او قصوری ندارد. دوم آن که چون متوجه عرفات شود این دعا بخواند: اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدٌ وَإِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ وَجَهَكَ أَرَدْتُ أَسْأَلُكَ أَنْ تَبَارِكَ لِي فِي رِحْلِي وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تَبَاهِي بِهِ الْيَوْمَ مِنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي. سیم آن که در راه عرفات چون بمنی رسد این دعا بخواند: اللَّهُمَّ هَذِهِ مِنِّي وَهِيَ مَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَمَنَّ عَلَيَّ بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ أَنْبِيَائِكَ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ. چهارم آن که ظهر و عصر و مغرب و عشا را در منی بگذارد. پنجم آن که در شب نهم ماه ذی حجه که شب عرفه است در منی تا طلوع فجر توقف نماید. ششم آن که نماز صبح را نیز در منی بگذارد و افضل آنست که تا طلوع آفتاب در منی توقف نماید بعد از آن از منی متوجه عرفات گردد. هفتم آن که خیمه خود را در بیرون زمین عرفات بزنند در مکانی که به عرفات متصل است و آن مکان را نمره گویند و واجب است که اول وقت پیشین نیت وقوف عرفات کند باین طریق که توقف در عرفات می کنم از این وقت تا شام در حج اسلام حج تمتع از برای آن که واجبست تقرب به خدا و بر حکم نیت بماند تا وقت شام و

### بعد از دخول در عرفات دوازده امر سنت است

که در اثنای وقوف بفعال آورد: اول غسل کردن جهت وقوف نیت چنین کند که غسل وقوف عرفات می کنم از برای آن که سنت است تقرب به خدا و باید که این غسل بعد از ظهر در اول وقوف واقع شود. دوم با وضو بودن. سیم ظهر و عصر را در اول وقت با هم جمع کردن «۱» به یک اذان و دو اقامه. چهارم بر پا ایستادن جامع عباسی الممشی، ص: ۱۲۶ از وقت ظهر تا وقت شام. پنجم رو بقبله بودن از اول وقت تا آخر وقت. ششم خاطر خود را به هیچ امری مشغول نساختن مگر توجه به درگاه الهی. هفتم آن که میانه او

و آسمان حایلی نباشد مثل خیمه و غیر آن. هشتم گناهان خود را یک یک شمردن و استغفار کردن. نهم دعا کردن از برای برادران مؤمن و باید که کمتر از چهل نفر نباشد. دهم آن که صد نوبت الحمد لله و صد نوبت لا إله إلا الله و صد نوبت الله أكبر و صد نوبت سبحان الله بگوید. یازدهم آن که صد نوبت قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند. دوازدهم آن که این دعا را بخواند: اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ فَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أُخْيَبٍ وَفَدَاكَ وَارْحَمِ مَسِيرِي إِلَيْكَ مِنَ الْفَجِّ الْعَمِيقِ، اللَّهُمَّ رَبِّ الْمَشَاءِ كُلِّهَا فَكُنْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسَعِ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فِسْقَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، اللَّهُمَّ لَا تَمَكِّرْ بِي وَلَا تَخْدَعْنِي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَمَنِّكَ وَفَضْلِكَ يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ وَيَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ. بعد از آن حاجت خود را از خدای تعالی طلب نماید و بعد از آن رو به جانب آسمان کند و بگوید: اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعَتْ وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَ أَسْأَلُكَ خُلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَمَلِكُ يَدِكَ وَنَاصِيَتِي بِيَدِكَ وَأَجَلِي بِعِلْمِكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَوْفَّقَنِي لِمَا يَرْضِيكَ عَنِّي وَأَنْ تَسَلِّمَ مِنِّي مَنَاسِكَ الَّتِي أَرَيْتَهَا إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَدَلَّتْ عَلَيْهَا نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيَتْ عَمَلُهُ وَأَطَلَتْ عَمْرُهُ وَأَحْيَيْتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ حَيَاءً طَيِّبَةً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يَحْيَى وَيَمُوتُ وَيَحْيَى وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَالَّذِي نَقُولُ وَخَيْرًا مِمَّا نَقُولُ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ، اللَّهُمَّ لَكَ صَلَاتِي وَنَسْكَي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي وَ لَكَ مَرَاتِي وَبِكَ حَوْلِي وَمَنْكَ فُوتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنْ وَسَاوِسِ الصَّيْدِرِ وَمِنْ شَتَاتِ الْأَمْرِ وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الرِّيَاحِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَحْيِي بِهِ إِلَى الرِّيَاحِ وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَخَيْرَ النَّهَارِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي سَمْعِي نُورًا وَفِي بَصَرِي نُورًا وَفِي لَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَعُرُوقِي وَمَقَامِي وَمَقْعَدِي نُورًا وَمَقْصَدِي نُورًا وَمُدْخَلِي نُورًا وَمَخْرَجِي نُورًا وَأَعْظَمَ بِي نُورًا يَا رَبِّ يَوْمَ أَلْقَاكَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. و بدان که دعاهای روز عرفه که از حضرات ائمه معصومین صلوات الله جامع عباسی الممشی، ص: ۱۲۷ علیهم اجمعین نقل شده بسیار است و افضل آن دعاها دو دعاست یکی دعای حضرت امام حسین علیه السلام که مشهور است و دیگر دعای امام زین العابدین علیه السلام که در صحیفه کامله مذکور است و چون هر یک از این دو دعا به غایت طویل بود در این مختصر مذکور نشد

### فصل دوم در احکام وقوف به مشعر الحرام

چون وقت مغرب داخل شود پیش از نماز مغرب از عرفات متوجه مشعر الحرام شود چون اراده بیرون آمدن از عرفات کند این دعا بخواند: اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ وَارْزُقْنِيهِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي وَأَقْلِبْنِي الْيَوْمَ مَفْلَحًا مَوْفَقًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي مَرْحُومًا مَغْفُورًا بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفَدَاكَ وَاجْعَلْنِي مِنْ حَجَّاجِ بَيْتِ الْحَرَامِ وَاجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفَدَاكَ عَلَيْكَ وَأَعْظَمِي أَفْضَلِ مَا أَعْطَيْتَ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَالْبُرْكَهِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْمَغْفِرَةِ وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ وَمَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ وَبَارِكْ لِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. و باید که در وقت رفتن به جانب مشعر بتأنی راه رود و در کمال خضوع و خشوع در اثنای راه رفتن به استغفار و طلب خلاصی از آتش دوزخ مشغول باشد. و چون به مشعر الحرام رسد واجبست که نیت کند به این طریق که از این وقت تا طلوع آفتاب توقف می‌کنم در مشعر الحرام در حج اسلام حج تمتع از برای آن که واجبست تقرب به خدا. و سنت است که در آنجا نه امر به جا آورد: اول آن که قبل از بار فرود آوردن نماز مغرب و عشا را به یک اذان و دو اقامه به جا آورد. دوم آن که نافله مغرب را بعد از عشا بگذارد. سیم آن که آن شب را که شب عید قربانست احیا بدارد. چهارم آن که تا صبح بذكر و دعا و تلاوت قرآن مشغول باشد و از جمله دعاها این دعا را بخواند: اللَّهُمَّ هَذِهِ جَمْعٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ لَا تَوَيْسِنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي ثُمَّ أَطْلُبْ بِهِ إِلَيْكَ أَنْ تَعَرِّفَنِي مَا عَرَّفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي

منزلی هذا و أن أتقیتنی جوامع الشَّرِّ. پنجم آن که اول شب غسل کند و نیت چنین کند که غسل بودن در مشعر الحرام می‌کنم از برای آن که سنت است تقرب به خدا. ششم آن که تا طلوع آفتاب طاهر از حدث اکبر و اصغر باشد. هفتم آن که اگر حج اول باشد بر بالای کوهی که در مشعر الحرام واقع است برود و در آنجا ذکر الهی به جا آورد. هشتم آن که هفتاد سنگ ریزه که بجهت رمی جمرات مقرر است از مشعر الحرام بردارد. و واجبست که آن شب تا صبح در مشعر الحرام باشد. نهم چون فجر طالع شود اولی آنست که نیت علی حده بجهت وقوف مشعر کند به این طریق که توقف می‌کنم در جامع عباسی الممشی، ص: ۱۲۸ مشعر الحرام در حج تمتع ازین وقت تا طلوع آفتاب از برای آن که واجب است تقرب به خدا و بحمد الهی و صلوات بر حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و دعا کردن اشتغال نماید. و از جمله دعاها این دعا بخواند: اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فَكِّرْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فِسْقَةِ الْإِنْسِ وَالْجَنِّ وَالْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَخَيْرُ مَدْعُودٍ وَخَيْرُ مَسْئُولٍ وَبِكُلِّ وَافِدَةٍ جَائِزَةٍ فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تَقِيلَ عَثْرَتِي وَتَقْبَلَ مَعْذِرَتِي وَأَنْ تَجَاوِزَ عَنِّي خَطِيئَتِي ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي. نهم آن که چون آفتاب برآید به جانب منی رود و جایز است زنان را و شخصی را که ضرورتی داشته باشد آن که قبل از طلوع فجر از مشعر الحرام به جانب منی رود

### فصل سیم در بیان رفتن به جانب منی از مشعر الحرام و بیان افعال ثلاثه مناسک منی

#### اشاره

که روز عید قربان در منی واجب است که بعمل آورد چون از مشعر الحرام متوجه منی شود و در راه به موضعی رسد که آن را وادی محسّر گویند. سنت است که در آن موضع موازی صد کام تند رود و این دعا بخواند: اللَّهُمَّ سَلِّمْ عَهْدِي وَاقْبَلْ تَوْبَتِي وَأَجِبْ دَعْوَتِي وَاخْلُفْنِي فِي مَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي. و چون بمنی رسد واجب است که افعال ثلاثه مناسک منی را در روز عید قربان بترتیب به جا بیاورد

#### فعل اول رمی جمره عقبه

است یعنی زدن میلی که آن را جمره عقبه گویند به هفت سنگ ریزه و در رمی جمره عقبه هشت امر واجب است و دوازده امر سنت. اما هشت امر واجب: اول نیت کردن به این طریق که این میل را می‌زنم به هفت سنگ ریزه در حج اسلام حج تمتع از برای آن که واجب است تقرب به خدا. دوم نیت را مقارن شروع در رمی کردن. سیم استدامت حکمی یعنی مدام بر حکم نیت بودن تا آخر رمی. چهارم هفت سنگ ریزه را یک یک انداختن پس اگر هفت را به یک دفعه اندازد یکی از آنها حسابست و باقی محسوب نیست. پنجم هر یک از هفت سنگ ریزه را بآن میل رسانیدن. ششم مجموع هفت سنگ ریزه را از زمین حرم برچیده باشد. هفتم آن که همه آن سنگ ریزه‌ها بکر باشد یعنی به هیچ یک از آنها رمی نشده باشد. هشتم آن که رمی بعد از طلوع آفتاب روز عید قربان باشد. و اما آن دوازده امر سنت که در رمی جمره عقبه معتبر است: اول آن که در وقت رمی وضو داشته باشد. دوم آن که پیاده باشد نه سواره. سیم آن که در وقتی که هفت سنگ ریزه را در دست داشته باشد و خواهد که به میل بزند این دعا بخواند. اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ حَصِيَّاتِي فَاحْصِهِنَّ لِي وَارْفَعِهِنَّ فِي عَمَلِي. چهارم آن که در وقت انداختن هر یک از آن سنگ ریزه‌ها جامع عباسی الممشی، ص: ۱۲۹ الله اکبر بگویند و این دعا بخواند: اللَّهُمَّ ادْحِرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ، اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بَكْتَابِكَ وَ عَلِيَّ سَنَّةِ نَبِيِّكَ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ حَجًّا مَبْرُورًا وَ عَمَلًا مَقْبُولًا - و سعیا مشکورا و ذنبا مغفورا. پنجم آن که در وقت جمره عقبه رو به جمره کند و پشت بقبله. ششم آن که دوری او از جمره در وقت رمی ده زرع یا پانزده زرع شرعی باشد. هفتم آن که آن سنگ ریزه را بر شکم انگشت زهگیر گذارد و به پشت بند اول انگشت شهادت بیندازد. هشتم آن که آن سنگ ریزه را برچیده باشد نه آن که سنگ را بشکند و به سنگریزه‌های آن رمی کند. نهم آن که سنگ ریزه‌ها را از مشعر الحرام برچیده باشد. دهم آن که سنگ ریزه‌ها را بشوید. یازدهم آن که هر یکی از سنگ ریزه‌ها بمقدار بند بالای انگشت باشد. دوازدهم آن که هر یک از سنگ ریزه‌ها رنگی مختلف داشته باشد

## فعل دوم [قربانی کردن]

### اشاره

از افعال ثلثه مناسک منی که روز عید به جا آوردن آن واجب است قربانی کردنست و در آن ده امر واجب است و شش امر سنت  
اما

### ده امر واجب

اول آن که قربانی گوسفند یا بز یا گاو یا شتر باشد و اگر غیر از اینها را مثل اسب یا آهو قربانی کند آن قربانی صحیح نیست. دوم آن که اگر قربانی گوسفند باشد کمتر از هفت ماهه نباشد و اگر بز یا گاو باشد یک سال تمام کرده باشد و در سال دوم داخل شده باشد و اگر شتر باشد پنج سال تمام کرده و در سال ششم داخل شده باشد. سیم آن که بیمار نباشد و کری نداشته باشد و لاغر و لنگ و خصی و گوش بریده نباشد و شاخ او نشکسته باشد. چهارم آن که کل آن از یک شخص باشد پس جایز نیست که دیگری در قربانی او شریک باشد. پنجم آن که در وقت کشتن قربانی نیت چنین کند که این قربانی را می کشم در حج اسلام و حج تمتع از برای آن که واجب است تقرب به خدا. ششم آن که نیت را مقارن اول ذبح سازد اگر قربانی غیر شتر باشد و مقارن اول نحر سازد اگر قربانی شتر باشد و نحر آنست که کاردی یا حربه در گوی که میانه بیخ کردن و سینه شتر واقع است بزند. هفتم استدامت حکمی یعنی بر حکم نیت بودن تا آخر ذبح و تا آخر نحر. هشتم آن که خود مباشر کشتن قربانی گردد یا کسی را نایب خود سازد و نیت چنین کند که این قربانی را می کشم به نیابت فلان در حج اسلام و حج تمتع از برای آن که واجبت به اصاله و بر من بنیابه تقرب به خدا و اولی آنست که هر دو نیت کنند. نهم قربانی کردن در روز عید واقع شود اگر متعذر باشد در باقی ایام ماه ذی حجه جایز است. دهم آن که بعضی از آن را تصدق کند و بعضی را خود بخورد و بعضی را هدیه کند. و اما

### شش امری که در قربانی کردن سنت است

اول آن که اگر قربانی گوسفند یا بز باشد باید که نر باشد و اگر جامع عباسی الممشی، ص: ۱۳۰ شتر یا گاو باشد باید که ماده باشد. دوم آن که فربهی آن نمایان باشد نه آن که در فربهی و لاغری میانه باشد. سیم آن که آن را در عرفات حاضر کرده باشد. چهارم آن که اگر قربانی شتر باشد دست چپ او را ما بین زانو و پاشنه بندد. پنجم آن که اگر شخصی را در کشتن قربانی نایب خود سازد دست خود را در وقت کشتن بر دست او گذارد. ششم آن که در وقتی که خواهد قربانی کند این دعا بخواند: وَجْهَتْ وَجْهِي لِلذِّی فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ مَنْكَ وَ لَكَ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي. و مقارن آن به کشتن

مشغول شود

**فعل سیم [ازاله موی سر]**

از افعال ثلاثه مناسک منی که روز عید قربان بفعل آوردن واجب است که بعد از قربانی کردن از موی خود چیزی ازاله کند خواه به تراشیدن «۱» سر و خواه بغیر آن. و زن را تراشیدن سر جایز نیست. و در ازاله کردن مو سه امر واجب است و هفت امر سنت اما سه امر واجب: اول نیت کردن به این طریق که از موی بدن چیزی ازاله می‌کنم در حج اسلام حج تمتع از برای آن که واجبست تقرب به خدا. دوم مقارن داشتن نیت است به مو ازاله کردن. سیم استدامت حکمی. و اما آن هفت امر سنت: اول آن که در وقت ازاله کردن مو رو بقبله باشد. دوم آن که در آن وقت بگوید: بسم الله الرحمن الرحیم، اللهم أعطني بكل شعرة نورا يوم القيمة. سیم آن که در تراشیدن سر شروع به جانب راست کند. چهارم آن که کل سر را بتراشد. پنجم آن که اگر بر سر مو نداشته باشد پاکی را بر سر بگرداند و بر سر بگذارد. ششم آن که موی را در منی دفن کند. هفتم آن که بعد از مو ازاله کردن ناخن بچیند و سیل بگیرد و بعد از فارغ شدن از افعال ثلثه مناسک منی حلال می‌شود به او جمیع آن چه به او حرام شده بود مگر زن و بوی خوش.

**فصل چهارم در بیان باقی افعال حج**

چون مناسک منی را به جا آورد واجب است که به مکه مراجعت نماید بجهت به جا آوردن پنج امر و آن طواف حج و دو رکعت نماز آن و سعی ما بین صفا و مروه و طواف نسا و دو رکعت نماز آن و چون سه امر اول را بفعل آورد بوی خوش برو حلال می‌شود اما زن وقتی حلال می‌شود که طواف نسا را با دو رکعت نماز آن به جا آورد و واجب است که آن پنج امر را به ترتیبی که مذکور شد بفعل آورد. و جمیع آن چه در طواف عمره و سعی آن مذکور شد از امور واجبی و سنتی در این دو طواف و سعی معتبر است و فرق همین در نیت است. پس در طواف حج نیت چنین کند که طواف حج اسلام حج تمتع می‌کنم از برای آن که واجب است تقرب به خدا و در طواف نساء نیت چنین کند که طواف نساء جامع عباسی الممشی، ص: ۱۳۱ می‌کنم در حج اسلام حج تمتع از برای آن که واجبست تقرب به خدا و نیت نماز این دو طواف و نیت سعی ما بین صفا و مروه به این طریق کند و چون ازین پنج امر فارغ شود واجب است که بمنی عود کند برای چهار امر: اول در منی سه شب ایام تشریق بودن و آن یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ماه ذی حجه است و جایز است شخصی را که در احرام عمره و حج شکار و مباشرت با زن نکرده آن که شب سیم در منی نماند و آن که وقت ظهر دوازدهم از منی بیرون رود مگر آن که در وقت مغرب شب سیزدهم در منی باشد که در این صورت بودن آن شب در منی واجب است و بیرون رفتن واجب «۱» نیست و در هر یکی از این سه شب تا صباح ماندن در منی لازم نیست بلکه آن قدر توقف کند که نصف شب بگذرد و بعد از آن بیرون رود می‌تواند. و جایز است به جای آن شب در منی ماندن در مکه بماند بشرط آن که تا صبح به عبادت مشغول شود. دوم رمی کردن جمره اولی در هر یکی از روزهای تشریق به هفت سنگ ریزه. سیم رمی جمره وسطی در این سه روز بهمان طریق واجبست این ترتیب را مرعی داشتن و وقت رمی آن طلوع آفتابست تا وقت شام و اگر شخصی را عذر باشد جایز است که شب رمی کند و بدان که آداب سنتی این رمی قبل از این مذکور شد و فرقی نیست الا در دو امر: اول آن که هر یکی از جمره اولی و وسطی را در وقت رمی بر دست راست گ‌یرد. دوم آن که بعد از رمی هر یک از این دو جمره اندکی نزدیک آن ایستد و بحمد و صلوات و دعا اشتغال نماید. اما بعد از رمی جمره عقبه ایستادن نزد آن سنت نیست. و بدان که این رمی آخر افعال واجبه حج است و جایز است که از منی به وطن خود رود بی آن که به مکه معاودت نماید. اما معاودت به مکه بجهت وداع خانه کعبه سنت است پس چون خواهد که به مکه معاودت کند سنت است که در مسجد خیف شش رکعت

نماز بگذارد هر دو رکعت به یک سلام و بعد از آن متوجه مکه شود و آداب دخول مکه در مسجد الحرام از غسل و غیر آن به طریقیست که قبل از این مذکور شد. و بدان که داخل شدن در خانه کعبه سنت است و واجب نیست و آداب آن نه امر است: اول غسل کردن. دوم حلقه در را در وقت دخول بگیرد. سیم آن که کمال خضوع و خشوع در وقت داخل شدن به جای آوردن. چهارم آن که در وقت داخل شدن بگوید: اللَّهُمَّ إِنَّكَ قَلْتُ و من دخله كان آمناً فامني من عذابك عذاب النار. پنجم آن که بر سنگ سرخی که ما بین دو ستون خانه کعبه فرش است دو رکعت نماز بگذارد در رکعت اول بعد از فاتحه سوره حم سجده بخواند و در رکعت دوم بعد از فاتحه از آیات قرآن بعدد جامع عباسی المحشی، ص: ۱۳۲ آیات حم سجده بخواند و آن پنجاه و چهار آیه است. ششم آن که در هر کنجی از چهار کنج خانه کعبه دو رکعت نماز بگذارد و بعد این دعا بخواند: اللَّهُمَّ من تهيتا و تعباً و أعداً و استعداد لوفادة إلى مخلوق رجاء رفته و جوائز و نوافله و فواضله فإليك كان يا سيدي تهيتي و تعييتي و إعدادي و استعدادي رجاء وفدك و نوافلك و جوائزك فلا تخيب اليوم رجائي يا من لا تخيب سائله و لا ينقص نائله فإني لم آتک اليوم بعمل صالح قدّمته و لا شفاعة مخلوق رجوته و لكن أتيك مقراً بالذنوب و الإساءة على نفسي فإنه لا حجة لي و لا عذر فاسألك يا من هو كذلك أن تصلي على محمّد و آل محمّد و أن تعطيني مسألتي و تقيلني عثرتي و تقلبني برغبتی و لا تردني محروماً و لا مجبوها و لا خائباً يا عظيم يا عظيم أرجوك للعظيم أسألك يا عظيم أن تغفر لي الذنب العظيم لا إله إلا أنت. هفتم آن که در درون خانه کعبه سر به سجود نهد و این دعا بخواند: اللَّهُمَّ لا يردّ غضبك إلا حلمك و لا ينجي إلا التضرع إليك، فهب لي يا إلهي من لدنك فرجا بالقدرة التي بها تحيي أموات العباد، و بها تنشر ميت البلاد، و لا تهلكني يا إلهي غمّاً حتى تستجيب لي دعائي، و تعرّفني الإجابة في دعائي، اللَّهُمَّ ارزقني العافية إلى منتهى أجلي و لا تشمت بي عدوي و لا تمكّنه من عنقي من ذا الذي يرفعني إن وضعتني، و من ذا الذي يضعني إن رفعتني، و إن أهلكني فمن ذا الذي يعرض لك في عبدك أو يسألك عن أمرك، و قد علمت يا إلهي أن ليس في حكمك ظلم و لا في نعمتك عجلة، و إنما يعجل من يخاف الفتور، و إنما يحتاج إلى الظلم الضعيف، و قد تعاليت يا إلهي عن ذلك علواً كبيراً، فلا تجعلني للبلاء غرضاً و لا لنعمتك نصباً، و مهلني و نفسيني و أقلني عثرتي و لا تتبعني ببلاء على أثر بلاء فقد ترى ضعفي و قلّة حيلتي و تضرّعي إليك و وحشتي من الناس و أنسى بك يا كريم أعوذ بك فأعذني و أستجير بك فأجرني و أستعين بك على الضراء فأعني و أستنصر بك فانصرني و أتوكل عليك فاكفني و أومن بك فأمنني و أستهديك فاهدني و أسترحمك فارحمني و أستغفرك ممياً تعلم فاغفر لي و أسترزقك من فضلک الواسع فارزقني و لا حول و لا قوة إلا بالله العلي العظيم. هشتم آن که در وقت بیرون آمدن از خانه کعبه حلقه در خانه را بگیرد بگوید الله أكبر الله أكبر الله أكبر، اللَّهُمَّ لا تجهد بلاني و لا تشمت بي أعدائي فإنك الضار النافع. نهم آن که چون از خانه جامع عباسی المحشی، ص: ۱۳۳ به زیر آید دو رکعت نماز بگذارد در نزدیکی کعبه به حیثیتی که در خانه کعبه دست چپ او باشد.

### خاتمه در بیان آداب وداع خانه کعبه

و آن ده امر است: اول آن که هفت شوط طواف وداع را به جا آورد و نیت چنین کند که طواف وداع خانه کعبه می کنم سنت تقرب به خدا. دوم آن که در هر شوط استلام حجر اسود و رکن یمانی کند و اگر در هر شوط نتواند شوط اول و دوم استلام نماید. سیم آن که بعد از فارغ شدن از طواف الترام مستجار کند به طریقی که در طواف عمره مذکور شد. چهارم آن که در نزد حجر اسود آید و شکم خود را به کعبه بچسباند و دست چپ خود را بر حجر اسود گذارد و دست راست را از جانب در به خانه کعبه بچسباند و بگوید: الحمد لله و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله، اللَّهُمَّ صلّ علی محمد عبدک و رسولک و أمینک و حبیبک و نجیبک و خیرتک من خلقک، اللَّهُمَّ كما بلغ رسالتک و جاهد فی سبیلک و صدع بأمرک و أودی فیک حتی أتاه یقین، اللَّهُمَّ ألقبني مفلحاً منجحاً مستجاباً لي بأفضل ما يرجع به أحد من وفدك من المغفرة و البركة و الرحمة و الرضوان و العافية ممّا يسعني أن



أطلب، فأسئلك أن تعطيني مثل الذي أعطيته أو فضلا من عندك تزيدني عليه، اللهم إن أمتني فاغفر لي و إن أحيتني فارزقني من قابل، اللهم لا- تجعله آخر العهد من زيارة بيتك، اللهم إني عبدك و ابن عبدك و ابن أمتك حملتني على دابتك و سيرتني في بلادك حتى أدخلتني حرمك و أمنك و قد كان من حسن ظني بك أن تغفر لي ذنوبي فازدد عني رضا و قربني إليك زلفا و لا تباعدني و إن كنت لم تغفر لي فمن الآن فاغفر لي قبل أن تنأى عن بيتك، فهذا أوان انصرافي إن كنت أذنت لي غير راغب عنك و لا- عن بيتك و لا- مستبدل بك و لا- به، اللهم احفظني من بين يدي و من خلفي و عن يميني و عن شمالي حتى تبلغني أهلي فإذا بلغتني أهلي فاكفني مؤنة عبادك و عيالي فإنك ولي ذلك من خلقك و مني. پنجم آن که بعد از دعا خواندن به جانب چاه زمزم آید و قدری از آن آب بنوشد و بعد از آن متوجه بیرون رفتن از مسجد الحرام شود ششم آن که در اثنای بیرون آمدن بگوید: آئیون تائبون عابدون لربنا حامدون إلی ربنا راغبون إلی الله راجعون إن شاء الله تعالی. هفتم آن که نزد در مسجد الحرام سجده طویل با کمال خضوع و خشوع به جا آورد. هشتم آن که بر در مسجد الحرام ایستد و بگوید: اللهم إني أنقلب على لا إله إلا الله. نهم آن که به یک درهم شرعی خرما بخرد و تصدق کند. دهم آن که قصد او جامع عباسی الممشی، ص: ۱۳۴ همیشه این باشد که نوبت دیگر به حج آید.

### مطلب ششم در بیان احکام حج قرآن و حج افراد

که قبل از این مذکور شده بود که حج قرآن و حج افراد بر شخصی واجب است که از اهل مکه معظمه باشد یا آن که دوری او از آن مکان مقدس کمتر از شانزده فرسخ شرعی باشد و اگر دوری این کس از آن مکان مقدس شانزده فرسخ باشد و زیاده حجبی که بر او واجب می شود حج تمتع است و افعال حج تمتع را به تفصیل مذکور ساختیم و افعال حج قرآن و حج افراد مثل افعال حج تمتع است و لکن عمره حج تمتع قبل از حج است و طواف نسا ندارد و عمره حج قرآن و حج افراد بعد از حج است و طواف نسا دارد و افعال این دو نوع به یک طریقتست لکن در حج قرآن مخیر است میانه آن که نیت احرام را مقارن تلبیات یا مقارن اشعار یا مقارن تقلید سازد و معنی اشعار و تقلید مذکور خواهد شد و احرام هر یک از حج قرآن و حج افراد واجب است که از میقات باشد یا از مسکن خود هر گاه از مسکن او به مکه نزدیکتر باشد از میقات یا از مکه هر گاه مسکن او از مکه باشد و باقی افعال بطریق افعال حج تمتع است. پس چون احرام ببندد متوجه عرفات گردد و بعد از وقوف عرفات متوجه مشعر الحرام شود و بعد از وقوف مشعر الحرام بمنی رود و رمی جمرات و قربانی و تقصیر به جا آورد و به مکه باز گردد و طواف و دو رکعت نماز آن را به جا آورد و سعی ما بین صفا و مروه و طواف نسا و دو رکعت نماز آن را به طریقی که قبل از این مذکور شد بعمل آورد و چون از این افعال فارغ شود عمره مفرده را به جا آورد به این طریقی که یکی از میقاتها یا از نزدیکترین موضعی به حرم احرام عمره مفرده ببندد و طواف عمره و دو رکعت آن و سعی میان صفا و مروه و تقصیر و طواف نسا و دو رکعت آن به جا آورد. و مراد از اشعار آنست که جانب راست کوهان شتری را که بجهت قربانی می برد که در منی قربان کند زخم زند و آن جانب را به خون آن زخم آلوده کند. و مراد از تقلید آنست که کردن قربانی که می برد نعلین بیاویزد که در آن نعلین نماز کرده باشد

### مطلب هفتم در بیان احکام حج به نیابت

#### اشاره

و در آن دو فصل است

### فصل اول در بیان نایب گرفتن بجهت میت و حی

بدان که چون شخصی فوت شود و ترکه وافی گذارد و حج اسلام بر او واجب شده باشد و در ذمه او مستقر گشته باشد واجبست که در آن سال شخصی را به اجاره گیرند که به نیابت او حج به جا آورد اگر وقت حج باقی باشد و الا سال دیگر خواه میت وصیت کرده باشد که حج جهت او کنند و خواه وصیت نکرده باشد. اما اگر قبل از آن که حج در ذمه او مستقر گردد فوت جامع عباسی المحشی، ص: ۱۳۵ شود نایب گرفتن واجب نیست و حج در ذمت وقتی مستقر شود که شخصی با وجود استطاعت رفتن بحج حج را تأخیر کند تا آن قدر وقت بگذرد که گنجایش حج به جا آوردن داشته باشد. پس اگر بعد از استطاعت و قبل از گذشتن مدت مذکور فوت شود حج ساقط است و نایب گرفتن لازم نیست و اجرت حج مقدم است بر میراث و حکم سایر قروض دارد پس هر گاه میت مشغول الذمه باشد به حج و قرض نیز داشته باشد واجب است که اول اجرت المثل حج و قرض را از متروکات و افیه او بیرون کنند و آن چه بعد از آن بماند به وارث می‌رسد. و اگر چیزی نماند از متروکات او چیزی به وارث نمی‌رسد و هم چنین اگر همه متروکات او مساوی اجرت المثل حج باشد کل متروکات او را به اجرت حج باید داد و وارث از متروکات او محروم می‌شود. و هر گاه شخصی تبرع نماید و بی‌اجرت به نیابت میت حج به جا آورد در این صورت حج از ذمه میت ساقط می‌شود و لازم نیست که نایب بجهت او بگیرند. و هم چنین اگر شخصی به تبرع از مال خود شخصی را به اجاره بگیرد که به نیابت آن میت حج کند. و بدان که میانه مجتهدین خلافت در آن که نایب از کجا متوجه حج شود بعضی برآنند که از آنجا که فوت شده واجب است متوجه حج شود. و بعضی برآنند که توجه از میقات کافیت. و بعضی برآنند که اگر متروکات میت وفا کند از محل فوت متوجه شود و اگر بآن وفا نکند از میقات و این قول به صواب نزدیکتر است و ظاهر قول دوم باین قول باز می‌گردد. و اگر حج در ذمه شخصی مستقر شده باشد اما بواسطه مانعی که بعد از استقرار بهم رسد مثل بیماری یا خوف از دشمن نتواند به حج رفتن واجبست که شخصی را به اجاره بگیرد که به نیابت او حج کند هر گاه امید آن نداشته باشد که مانع برطرف شود و الا بر او واجبست که خود حج کند. و اگر بعد از آن که نایب به نیابت او حج گذارده باشد مانع او برطرف شود بر او واجب است که خود حج کند و حج که نایب او کرده کافی نیست. اما اگر حج گذاردن بر او واجب شده باشد و قبل از آن که در ذمه او مستقر شود او را مانعی از رفتن به حج پیش آید در این صورت در وجوب نایب گرفتن میانه مجتهدین خلافت بعضی برآنند که حکم شخصی دارد که او را بعد از استقرار حج مانعی بهم رسد. و بعضی برآنند که از این شخص حج ساقط است ما دام که مانع باقی باشد نایب گرفتن واجب نیست خواه امید برطرف شدن مانع داشته باشد و خواه نداشته باشد و اقرب قول اولست

### فصل دوم در بیان شروطی چند در نیابت حج معتبر است

و آن شش امر است: اول آن که نایب بالغ باشد و بعضی از مجتهدین نیابت غیر بالغ را جایز داشته‌اند بشرط آن که تمیز داشته باشد و بر سخن او اعتماد باشد. دویم آن که عادل باشد پس حرامست که غیر عادل را نایب حج سازند اما اگر غیر عادل را نایب کرده باشند و دانند که حج را بفعل آورده در این صورت حج او کافیت و احتیاج بنایب عادل گرفتن نیست. و بعضی از مجتهدین برآنند که هر گاه ظن غالب باشد که نایب افعال حج را به جا آورد نایب گردانیدن او جایز است. سیم آن که در ذمه نایب حج واجب نباشد. چهارم آن که افعال حج را بالتام داند یا شخصی عادل با او باشد که در وقت به جا آوردن هر فعلی را از او تعلیم گگیرد. پنجم آن که در نیت قصد کند که این افعال را به نیابت فلانی به جا می‌آورم. ششم آن که آن شخصی که نایب به نیابت او حج می‌گذارد باید که شیعه اثنی عشری باشد پس نایب مخالف مذهب شدن جایز نیست مگر آن که پدر نایب یا جد پدری او نایب باشد که در این دو صورت نیابت کردن او جایز است با وجود آن که مخالف مذهب باشد. و بعضی از مجتهدین این دو صورت را نیز جایز نداشته‌اند «۱» و جایز است که زن نایب مرد شود و بر عکس و هم چنین جایز است که غلام یا کنیزی که عادل باشند به رخصت آقای خود نایب شوند و اگر نایب در اثنای راه فوت شود پس اگر فوت او قبل از احرام و داخل شدن حرم واقع

شود نایب دیگر باید گرفت که از آنجا که او فوت شده روانه حج شود و ورثه او را از وجه اجاره موازی مسافتی که قطع کرده می‌رسد و بس و تتمه به ورثه صاحب مال می‌رسد و اگر فوت او بعد از احرام و داخل شدن حرم باشد و از باقی افعال چیزی به جا نیاورده باشد آن چه بفعل آورده کافست و احتیاج به نایب گرفتن دیگر نیست. اما میانه مجتهدین خلافت بعضی بر آنند که در این وقت کل مبلغی که وجه اجاره اوست به وارث «۲» او می‌رسد و السلام علی من اتبع الهدی.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صد ها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازی های رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با ده ها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه و فائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۵۲۰۲۶۰۱۰۸۶ وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل:

www.eslamshop.com فروشگاه اینترنتی: تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲  
 (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۵۳۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب الی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

